


بررسی اخلاقی ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای

کرامت‌رضا شاه‌منصوری / دکتری تربیت مدرس «اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف قم

rez.mansoor@yahoo.com

jvabekhoob@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-8113-1576

محمدجواد فلاح / دانشیار گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

چکیده

ورزش حرفه‌ای به‌واسطه گسترش و مقبولیتی که در جهان دارد، توسط دولت‌ها و شرکت‌ها مورد حمایت‌های سیاسی، اجرایی و اقتصادی قرار گرفته است. ورزش حرفه‌ای ابعاد و آثار مفیدی در عرصه‌های گوناگون دارد و برای حکم نهایی درباره ورزش حرفه‌ای باید نخست ابعاد مثبت و منفی آن بررسی شود و سپس این دو با هم مقایسه گردد. هدف از این تحقیق صرفاً تبیین ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای (همچون آسیب‌های جسمی، روحی - عاطفی، رفتاری - اجتماعی) و بررسی اخلاقی آنهاست. این پژوهش به شیوه «توصیفی - تحلیلی» با استفاده از استدلال‌ات عقلی و اخلاقی و همچنین استفاده از نتایج پژوهش‌های میدانی دیگر صورت گرفته و به این نتیجه رسیده است که ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای با رویکرد کنونی در جهان در بعد جسمی بالقوه منشأ آسیب‌هایی همچون ضررهای جسمانی؛ در بعد روحی و عاطفی منشأ رذایل اخلاقی (همچون برتری‌طلبی، تکبر و تفاخر)؛ و در بعد رفتاری - اجتماعی منشأ آسیب‌هایی (همچون ارزش‌گذاری غلط در اجتماع، دعوت به رذایل اخلاقی با مرجع‌سازی غلط و بها ندادن و کمرنگ شدن ورزش همگانی) است. از این نظر، ترویج و حمایت از آن با چالش اخلاقی مواجه است. بنابراین ضروری است دولت‌ها یا نهادهای حامی ورزش حرفه‌ای این ابعاد آسیب‌زا و چالش‌زا را مد نظر قرار دهند و در اصلاح آنها بکوشند.

کلیدواژه‌ها: ورزش حرفه‌ای، آسیب اخلاقی، رذایل اخلاقی، ارزش‌گذاری غلط، مرجع‌سازی غلط.

یکی از عوامل تأثیرگذار در سلامت روح و جسم انسان «ورزش» است. از این رو جوامع بشری در سبک زندگی خود توجه ویژه‌ای به ورزش دارند. اما با توجه به انواع گوناگون ورزش، می‌توان دریافت میان ورزش حرفه‌ای و ورزش غیرحرفه‌ای باید تفاوت‌هایی قابل شد. با توجه به تعریف بیان شده برای ورزش حرفه‌ای، باید گفت: «سازمان‌یافته بودن» یکی از ارکان ماهیت ورزش حرفه‌ای است (اکبرپورینی، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۵۲). همچنین ورزش حرفه‌ای یک شغل و وسیله‌ای برای کسب درآمد است و به بیان دیگر، امروزه به‌عنوان یک صنعت با درآمد بالا مطرح است (فلاحی و همت، ۱۳۹۸). برخی افراد اساساً ورزش حرفه‌ای را یک صنعت می‌دانند و آن را ابزاری برای رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌آورند (سعیدی، ۱۳۸۷).

نکته دیگر اینکه در ورزش حرفه‌ای هدف غایی کسب درآمد از راه قهرمانی است و ورزشکار برای رسیدن به این هدف، تمام تلاش خود را باید کند و تا حد ممکن بر قوای جسمی و مهارت‌های ورزشی خود بیفزاید. در بازی، هدف اصلی کسب طراوت و نشاط است؛ اما در ورزش حرفه‌ای تنها به نتیجه آن توجه می‌شود و نشاط و طراوت را در نظر قرار نمی‌گیرند (اکبرپورینی، ۱۳۹۳، ص ۵۰-۵۲). بنابراین باید گفت: ماهیت ورزش حرفه‌ای با ورزش‌های دیگر، حتی بازی و تربیت بدنی متفاوت است.

ورزش حرفه‌ای به واسطه ماهیت و اساسی که بر آن نهاده شده، به صورت بالقوه منشأ برخی آسیب‌ها در ساحت فردی و اجتماعی است. منظور از «منشأ بالقوه برای آسیب» آن است که ماهیت ورزش حرفه‌ای اقتضای این آسیب را دارد. البته ممکن است گاهی به دلایل دیگر این اقتضا با مانع مواجه شود و به فعلیت نرسد. به تبع آن، هر چه بدون توجیه منطقی منجر به آسیب‌های قابل اعتنا در این زمینه‌ها شود، از لحاظ اخلاقی نیز قبیح است.

نکته مهم اینکه وقتی منشأ آسیب ماهیت و اساسی است که ورزش حرفه‌ای بر آن نهاده شده، دیگر برخی امور جنبی و عرضی (همچون رعایت انصاف، اجتناب از زورآزمایی، و نفی خشونت) نمی‌تواند تمام ابعاد آسیب‌های اخلاقی در این گونه ورزش‌ها را برطرف کند. این نکته بسیار قابل توجه است؛ زیرا در غالب پژوهش‌ها از این مسئله (یعنی توجه به آسیب‌های ناشی از ماهیت و بنیان ورزش حرفه‌ای) غفلت شده است.

از سوی دیگر گرایش به ورزش حرفه‌ای، امروزه سراسر جهان را درنوردیده است. همچنین در اثر علاقه‌مندی روزافزون مردم به مشاهده و شرکت در مبادین ورزش حرفه‌ای، این نوع ورزش همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است. در حقیقت، در قرن اخیر از ورزش حرفه‌ای به‌مثابه ابزاری در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده شده است (فلاحی و همت، ۱۳۹۸).

با توجه به این نکات، ضرورت بررسی اخلاقی در ابعاد گوناگون این نوع ورزش بیش از پیش مشهود است؛ زیرا در صورتی که این نوع ورزش - برای مثال - منشأ فساد یا انحرافی اخلاقی باشد منجر به انحراف و آسیبی در مقیاس جهانی می‌شود.

به این نکته مهم نیز باید اشاره کرد که این تحقیق در پی قضاوت نهایی درباره ورزش حرفه‌ای نیست؛ زیرا این ورزش در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی، تربیتی و غیر آن می‌تواند اثرات مثبت زیادی داشته باشد. بنابراین تنها زمانی می‌توان درباره ورزش حرفه‌ای قضاوت نهایی کرد که نخست همه ابعاد مثبت و منفی آن بررسی و سپس با هم مقایسه شوند.

بنابراین تحقیق حاضر صرفاً یک طرف قضیه (یعنی ابعاد منفی اخلاقی ورزش حرفه‌ای) را با توجه به آسیب‌های آن بررسی می‌کند. طبیعی است که دولت‌ها یا نهادهای متصدی امر ورزش باید به این ابعاد آسیب‌زا توجه نموده و سعی بر کم کردن آسیب‌های این نوع ورزش و عبور از این چالش‌ها را داشته باشند.

پیشینه

پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله درباره تربیت بدنی، ورزش و اخلاق در این عرصه تألیف شده است. برخی کتب صرفاً به تبیین مبانی تربیت بدنی و ورزش پرداخته و به ابعاد اخلاقی آنها توجهی نکرده‌اند (نمازی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۳-۶۷؛ فراهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸-۹۵).

دسته‌ای دیگر از تألیفات بعد اخلاقی در ورزش را بررسی کرده‌اند، اما منحصر در ورزش حرفه‌ای نبوده و به طور کلی برخی مسائل اخلاقی را در ورزش به معنای عام آن بررسی نموده‌اند (رزاقی، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

دسته دیگر از آثار به نحو خاص به بررسی اخلاقی در ورزش حرفه‌ای همت گمارده‌اند، اما به نکته مهم ماهیت و بنیانی که ورزش حرفه‌ای بر آن بنا نهاده شده اشکالی وارد نکرده‌اند (محمدی قهساره، ۱۳۹۲؛ ملانوروزی، ۱۴۰۰). در این آثار به برخی آسیب‌های اخلاقی در ورزش حرفه‌ای (همچون تقلب، زورافزایی، خشونت، و تبانی) اشاره شده است.

بنا بر این آثار، در صورتی که کسی به این تخلفات آلوده نشود، می‌تواند بی‌هیچ‌گونه آسیب اخلاقی در ورزش حرفه‌ای و در عرصه‌های جهانی شرکت کند. پس اشکالی به ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای وارد نیست.

با توجه به تألیفات انجام شده در این عرصه باید گفت: وجه امتیاز این پژوهش با تألیفات گذشته در این است که به نحو خاص بسترهای آسیب‌زا را که منشأ آنها ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای است، از حیث بررسی اخلاقی مد نظر قرار داده است. هرچند اموری همچون خشونت، زورافزایی، آسیب رساندن، و تبانی به خودی خود قبیح هستند، اما در حقیقت رها کردن ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای و تلاش در رعایت اخلاق اموری جنبی مانند موارد مذکور همچون ساختمانی است که بنیان آن اقتضای خرابی دارد و باید مراقب آسیب ندیدن این بنیان بود، اما صاحبخانه توجهی نمی‌کند و در مقابل، ظاهر آن را می‌آراید.

این پژوهش با بررسی منابع مرتبط با حوزه ورزش، به روش «توصیفی-تحلیلی» به بررسی و تحلیل اخلاقی مسائل مربوط به ماهیت ورزش پرداخته در پی پاسخ به این سوالات است که ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای می‌تواند

منشأ چه آسیب‌هایی باشد؟ آسیب‌های ورزش حرفه‌ای در ساحت‌های جسمی، روحی-عاطفی، و رفتاری کدام‌هاست و حکم اخلاقی درباره آنها چیست؟

ورزش حرفه‌ای دارای ماهیت و ارکانی است که با بررسی آنها می‌توان دریافت ماهیت این ورزش به صورت بالقوه منشأ برخی آسیب‌ها در حوزه آسیب‌های جسمی، آسیب‌های روحی-عاطفی (همچون تقویت برخی ردایل اخلاقی) و آسیب‌های رفتاری (مانند هدف‌گذاری غلط در فرهنگ اجتماعی، مرجع‌سازی برخی افراد بر اساسی غیر از فضایل انسانی، و کم‌رنگ شدن ورزش‌های همگانی) است. در نتیجه، هر امری که منشأ چنین آسیب‌هایی است با چالشی اخلاقی مواجه است.

هرچند ممکن است ورزش حرفه‌ای ابعاد و آثار مثبتی نیز داشته باشد، اما روش کلی استدلال‌های این پژوهش اثبات وجود آسیب‌های گوناگون ناشی از ماهیت ورزش حرفه‌ای و استنتاج غیر اخلاقی بودن و مواجهه با چالش اخلاقی ورزش حرفه‌ای از این بُعد و به واسطه این آسیب‌هاست.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. رفتار ورزشی

در تعریف «رفتار ورزشی» باید گفت: هر فعالیتی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان، اعمال تنکردی (فیزیولوژیک)، عاطفی و فعالیت عقلی باشد، به مفهوم «رفتار ورزشی» اشاره دارد (رزاقی، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

۱-۲. تربیت بدنی

برای روشن شدن بهتر معنای «ورزش» باید معانی همسو با آن (همچون «تربیت بدنی» و «بازی») نیز بیان گردد: تربیت بدنی فرایندی است آموزشی-تربیتی که کمال و رشد انسان را از طریق فعالیت‌های جسمانی بهبود می‌بخشد و برای زندگی بهینه و مطلوب به افراد کمک می‌کند.

۱-۳. ورزش و بازی

اما «ورزش» بازی هدفمند، مستمر و همراه با قوانین مشخصی است که موجب تقویت جسمی و روحی می‌شود. در تبیین «بازی» نیز باید گفت: اگر هر کدام از این قیود در تعریف «ورزش» (یعنی هدفمند بودن، مستمر بودن، همراه با قوانین مشخص و موجب تقویت جسمی و روحی) نباشد، آن فعالیت «بازی» نامیده می‌شود (اکبرپورنبی، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

۱-۳-۱. انواع ورزش

اما درباره انواع ورزش باید گفت: ورزش‌ها صور گوناگونی دارند و به صورت‌های متفاوتی می‌توان آنها را تقسیم نمود. برای مثال، تقسیم بر اساس ابزار مورد استفاده در ورزش؛ تقسیم بر اساس چگونگی رابطه در روند فعالیت ورزشی؛ تقسیم بر اساس زمان و منابع انرژی مورد استفاده و تقسیم‌هایی دیگر (خلجی، ۱۳۹۴، ص ۱۳).

هرچند انواع گوناگونی برای ورزش بیان شده است، اما در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن را این صورت تقسیم کرد:

۱. ورزش پرورشی با رویکرد تربیت و تندرستی؛ ۲. ورزش همگانی با رویکرد سلامت و نشاط اجتماعی؛ ۳. ورزش قهرمانی با رویکرد کسب مدال؛ ۴. ورزش حرفه‌ای با رویکرد اقتصادی (اکبرپورینی، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۵۲).

در «ورزش پرورشی» و «ورزش همگانی»، اخلاق نقش اساسی و زیربنایی ایفا می‌کند، به‌ویژه در «ورزش پرورشی» که توجه و تمسک به ویژگی‌های اخلاقی به‌مثابه یکی از اصول تعلیم و تربیت مورد توجه خاص است. در «ورزش قهرمانی» با توجه به حاکم بودن فلسفه برد و باخت که ورزشکار و تیم برنده تشویق می‌شود، هدف اصلی برنده شدن، قهرمان شدن و به‌دست آوردن مدال قهرمانی است.

۴-۱. ورزش حرفه‌ای

در دنیای امروز، «ورزش حرفه‌ای» به رقابت‌های سازمان‌یافته‌ای اطلاق می‌شود که توسط افراد ماهر در سطح بالا و با هدف دستیابی به قهرمانی، مدال و به‌ویژه کسب درآمد انجام می‌شود. بنابراین افرادی که به ورزش می‌پردازند - در واقع - شاغل در این رشته هستند و ورزش برای آنها شغل قلمداد می‌شود (همان).

۲. تحلیل اخلاقی بر اساس ماهیت ورزش حرفه‌ای

بنا بر تعاریف ذکر شده، وجه مشترک «ورزش قهرمانی» و «ورزش حرفه‌ای» اهمیت داشتن پیروزی و کسب مدال قهرمانی است؛ اما یکی از وجوه افتراق این دو ورزش در این است که برخلاف «ورزش قهرمانی»، هدف اصلی و غایت در ورزش حرفه‌ای کسب درآمد است و قهرمانی با همه اهمیتی که دارد، مقدمه و وسیله رسیدن به درآمد به حساب می‌آید.

از دیگر وجوه افتراق، سازمان‌یافته بودن و شغل اصلی بودن ورزش حرفه‌ای است؛ زیرا ممکن است در ورزش قهرمانی کسی به صورت فردی قدم در این عرصه بگذارد و قهرمانی منفعت مالی هم برای او نداشته باشد و شغل او به شمار حاج آقا گروسی نیاید.

البته شاید در بدو امر گمان شود ورزش حرفه‌ای با ورزش قهرمانی تفاوتی ندارد؛ اما علاوه بر وجوه افتراق قبلی که بیان شد، باید این نکته را نیز خاطر نشان کرد که معمولاً در کتب تخصصی در حوزه ورزش و تربیت بدنی، بین این دو ورزش تفاوت قایل می‌شوند. همچنین با مراجعه به اسناد «وزارت ورزش و جوانان» و قوانین مجلس شورای اسلامی می‌توان دریافت مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ در لایحه اهداف و اختیارات «وزارت ورزش و جوانان» انواع ورزش را به صورت تخصصی تعریف کرده که در آنجا بین ورزش حرفه‌ای و ورزش قهرمانی تفاوت قایل شده است.

مطابق تعریف مجلس شورای اسلامی و «وزارت ورزش و جوانان»، «ورزش قهرمانی» ورزشی است رقابتی که با هدف ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه یا نشان انجام می‌شود؛ اما «ورزش حرفه‌ای» ورزشی است

سازمان یافته که با رعایت مقررات خاص هر رشته، با هدف کسب انتفاع مالی ورزشکار و سایر ذی‌نفعان در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸).

درباره تفاوت بین «ورزش حرفه‌ای» و «تربیت بدنی» نیز باید گفت: در هر دو فرایند آموزش و استفاده از ابزارهای ورزشی وجود دارد؛ اما در تربیت بدنی هدف از آموزش، ساخت الگوی انسان مطلوب فارغ از تمرکز بر یک رشته تخصصی است و در ورزش حرفه‌ای هدف از آموزش، ساخت الگوی انسان مطلوب نیست، بلکه تمرکز بر حداکثر شدن عملکرد در یک رشته تخصصی ورزشی است (کوستاس، ۱۳۸۲)؛ زیرا مقدمه‌ای برای کسب درآمد از این راه است.

با توجه به نکات ذکر شده باید گفت: ورزش حرفه‌ای یک فعالیت سازمان یافته و با برنامه‌ریزی توسط نهادهای ذی‌ربط است و آنچه در آن اصالت دارد سودآوری است و از مقوله آموزش نیست (همان)، بلکه از مقوله صنعت است. البته باید دقت نمود که ممکن است گاهی شخصی انگیزه‌های بالاتر از مسائل اقتصادی یا انگیزه قوی دیگری داشته باشد، اما قاعده‌تاً آنچه در تعاریف حوزه علوم انسانی و از جمله ورزش و تربیت بدنی مد نظر قرار می‌گیرد فضای غالب یک مسئله ورزشی، اجتماعی یا مانند آن است. از این رو در تعاریف، موارد استثنا یا اقلیت محض مد نظر قرار نمی‌گیرد.

اولین بار در سال ۱۹۸۳ برنارد هیمنز مولین ورزش را به‌مثابه یک صنعت مطرح کرد. وی عقیده داشت: هرگونه فعالیت ورزشی مبتدی و حرفه‌ای که موجب افزایش ارزش افزوده کالاها و خدمات ورزشی شود «صنعت ورزش» به شمار می‌آید. با گذشت ۳۲ سال از معرفی ورزش به‌عنوان یک صنعت، از نقش رویدادهای ورزشی در جذب گردشگر، پوشش رسانه‌ای، نقل و انتقال بازیکنان، صدور مرپی، فروش بلیت، تبلیغات میداین ورزشی، ایجاد امکانات و تأسیسات ورزشی و جذب حامیان مالی به‌عنوان اصلی‌ترین محصولات این صنعت یاد می‌شود.

بر اساس آمارهای منتشر شده از گروه‌های اقتصاد ورزشی، امروزه ورزش یکی از بزرگ‌ترین صنعت‌های جهان است و درآمد سالانه آن قریب ۳۵۰-۴۵۰ میلیارد دلار است. در دنیای صنعتی ورزش، ورزشکاران مشتری و ابزاری برای درآمدزایی به شمار می‌آیند و انتظارات از ورزش متفاوت است. بنابراین در ورزش حرفه‌ای آنچه مقصود بالذات است «سودآوری» است (فلاحی و همت، ۱۳۹۸).

شرکت‌های خصوصی با هدف کسب درآمد و سودآوری، و دولت‌ها و نهادهای حکومتی در کنار سودآوری از ورزش حرفه‌ای به‌مثابه ابزاری برای کارآفرینی و تولید اشتغال استفاده می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۷).

با توجه به تعاریف بیان شده، (۱) سازمان یافته بودن، (۲) پیروزی و برتری‌طلبی، (۳) و اصالت کسب درآمد از ارکان اصلی ورزش حرفه‌ای است که این نوع ورزش بر آن بنا شده است.

۳. تبیین گونه‌های آسیب در ورزش حرفه‌ای

بعد از روشن شدن تعریف و ماهیت «ورزش حرفه‌ای» در این قسمت به هدف اصلی پژوهش (یعنی بررسی اخلاقی ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای) اشاره می‌شود. نکته مهم و قابل توجه اینکه در این پژوهش به آسیب‌هایی اشاره

می‌شود که منشأ آنها ماهیت ورزش حرفه‌ای است. به بیان دیگر، اساساً ورزش حرفه‌ای به هر شکلی برپا شود، این ابعاد آسیب‌زا را به صورت بالقوه در پی خواهد داشت. بنابراین رعایت امور جنبی (همچون زورافزایی نکردن و رعایت انصاف در مسابقه) تأثیری در رفع این آسیب‌ها ندارند.

می‌توان برای چنین استدلالی علیه ورزش حرفه‌ای این قیاس منطقی را سامان داد:

- ورزش‌های حرفه‌ای بالقوه بستری برای آسیب‌های جسمی، روحی، عاطفی و رفتاری هستند.
- هرچه منجر به آسیب‌های مذکور شود غیر اخلاقی است.
- پس ورزش حرفه‌ای در جهات آسیب‌زا با چالش اخلاقی مواجه است.

با توجه به اینکه ورزش حرفه‌ای دارای ابعاد مثبت و مفیدی نیز در عرصه فردی و اجتماعی هست، پس وجود این بسترهای آسیب‌زا موجب مواجهه دولت‌ها و نهادهای حامی و مروج ورزش حرفه‌ای با چالش اخلاقی می‌گردد که باید آن را حل کرد.

تیین مقدمه اول می‌تواند ما را در پذیرفتن یا نپذیرفتن چنین استدلالی مدد رساند. از این نظر آسیب‌های ذکر شده با سه محور یا به عبارتی سه نوع استدلال تبیین می‌شوند: ۱. استدلال مبتنی بر آسیب‌های جسمی؛ ۲. استدلال مبتنی بر آسیب‌های روحی-عاطفی؛ ۳. استدلال‌های مبتنی بر آسیب‌های رفتاری و اجتماعی.

۱-۳. استدلال مبتنی بر آسیب‌های جسمی

هرگاه از ورزش و آثار مثبت آن سخن به میان می‌آید اولین اثر مثبت و هدفی که از ورزش مطرح می‌شود «سلامت جسمی» است. برخی فراتر از سلامت جسم، حتی حالات مثبت روحی و روانی را نیز از آثار مثبت ورزش می‌دانند. برای نمونه، دیوید/تکنیسون معتقد است: ورزش نه تنها موجب تقویت و سلامت جسم می‌شود، بلکه به عملکرد صحیح مغز نیز کمک می‌کند (هیلز و دایان، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰). برخی محققان بعد از پژوهش‌های میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که میزان سلامت روانی در بین دانش‌آموزان ورزشکار- اعم از پسر و دختر- نسبت به افراد غیر ورزشکار به نحو معناداری از وضعیت بهتری برخوردار است (هادوی کاشمر، ۱۳۹۵).

به‌طور قطع می‌توان گفت: ورزش‌های پرورشی و همگانی موجب سلامتی جسم می‌شوند، اما این سؤال به وجود می‌آید که آیا ورزش حرفه‌ای نیز این آثار مثبت جسمی را در پی دارد و عاملی برای سلامتی جسمانی است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: چون در ورزش حرفه‌ای هدف کسب درآمد است و این مهم متوقف بر قهرمانی و برد در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است، بنابراین بقا در ورزش حرفه‌ای مستلزم تلاش، تمرین و فشار جسمانی بیش از حد معمول است.

طبیعی است کسی که می‌خواهد در یک رشته ورزشی در عرصه ملی یا بین‌المللی به قهرمانی و رتبه‌های برتر برسد باید بیش از حد معمول تلاش کند تا به این موفقیت نایل آید. البته درست است که ممکن است کسی به صورت

ژنتیکی و ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند با اندک تمرین یا آمادگی، در سطح ملی یا بین‌المللی موفقیتی کسب کند، اما قریب به اتفاق افراد برای موفقیت در عرصه ملی یا بین‌المللی باید سال‌های متمادی تمرین‌های سختی انجام دهند. این مسئله به‌گونه‌ای است که شاید یافتن استثنا برای آن نیز کاری بسیار دشوار باشد.

از سوی دیگر مشخص است که نمی‌توان در این علوم به موارد استثنا استناد و بر اساس آنها حکمی صادر کرد. این افراط در ورزش و تحمل سختی‌ها و فشارهای حاصل از تمرین‌های سنگین آثار منفی متعددی برای ورزشکار در پی دارد.

در همین زمینه باید اضافه کرد بر اساس تحقیقات جان لتر (Jan leter)، یکی از برجسته‌ترین محققان حوزه ورزش، مهم‌ترین متغیر برای تبدیل شدن به یک ورزشکار حرفه‌ای، صرف ساعات زیادی از هفته برای تمرین در مدت زمانی قریب هشت سال است. همچنین بنا بر نظر محققان، رسیدن به سطح جهانی در ورزش حرفه‌ای آن قدر سخت است که تنها یک درصد از ورزشکاران موفق به آن می‌شوند. رسیدن به حد مطلوب در ورزش حرفه‌ای به حدی دشوار است که با استناد به تحقیقات انجام شده، بر اساس میانگین جهانی، میزان تمرین ورزشکاران حرفه‌ای ۲۳ ساعت در هفته است. میزان فشار در ورزش حرفه‌ای تا حدی بالاست که تنها در سنین خاصی در جوانی که نیرو و توانایی بدنی بالاست امکان پرداختن به آن وجود دارد. بنا بر نظر محققان به‌طور میانگین سن بازنشستگی از ورزش حرفه‌ای ۳۳ سالگی است (خبرنامه علم ورزش، ۱۴۰۰).

برخی از محققان در پژوهش‌های خود برای ورزش‌های سنگین و افراط در ورزش که لازمه ورزش حرفه‌ای است، با استناد به نظر برخی متخصصین سه نوع آسیب بیان کرده‌اند (حسینی‌هرندی، ۱۳۹۲، ص ۲۶-۲۷):

۱-۳-۱. اختلال در یادگیری

دکتر گورنابورگ، روان‌شناس سوئدی معتقد است:

ورزش‌های سنگین اگر در فاصله کوتاهی بعد از شنیدن، خواندن یا دیدن مطلبی علمی باشد، در یادگیری، اثر معکوس می‌گذارد (همان).

۲-۳-۱. توقف رشد روانی

دکتر الکسیس کارل معتقد است:

زیاده‌روی در تغذیه و ورزش، از رشد روانی بدن جلوگیری می‌کند و با حذف تلاش‌های عضلانی در زندگی روزانه، بدون آنکه خود متوجه باشیم، سیستم‌های عصبی انسان را از تمرین‌هایی که برای حفظ تعادل محیط داخلی لازم است، بی‌بهره ساخته‌ایم. (همان)

۳-۳-۱. بیماری‌های جسمی

اگر ورزش و حرکات بدنی از حد خود بگذرد، مواد زایدی زیر پوست جمع می‌شود که پس از مدتی پوست را می‌ترکاند

و سبب پدید آمدن زخم و عفونت در پوست می‌شود. زیاده‌روی در ورزش، ورزش بی‌هنگام یا ورزش با شکم پُر، سبب سردرد و اختلال در کبد نیز می‌شود (همان).

درباره آسیب‌های جسمانی در ورزش‌های حرفه‌ای تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«برونکواسپاسم» یک عارضه تنفسی است که یکی از علل آن فعالیت فیزیکی تشخیص داده شده است، به گونه‌ای که درصد قابل توجهی از ورزشکاران بی آنکه هیچ سابقه‌ای از آسم داشته باشند، در حین فعالیت ورزشی و یا پس از آن دچار این عارضه می‌شوند که درصدی از این افراد دارای علامت هستند. این عارضه حتی در بسیاری از ورزشکاران حرفه‌ای نیز دیده شده است. برای مثال، ۱۱ درصد از اعضای تیم ملی آمریکا (۶۷ تن از ۵۹۷ تن) در المپیک سال ۱۹۸۴ و ۲۳ درصد از ورزشکاران آمریکایی شرکت‌کننده در المپیک زمستانی ۱۹۸۴ دچار آسم تنفسی یا آسم ورزشی بودند (ضیائی و همکاران، ۱۳۸۵).

آسیب‌ها و مصدومیت‌های گسترده و مکرر در عرصه ورزش حرفه‌ای که گریبان بسیاری از ورزشکاران در عرصه ملی و بین‌المللی را می‌گیرد نیز خود نشانه‌ای بارز بر میزان آسیب‌رسانی ورزش حرفه‌ای بر سلامت جسمانی ورزشکاران است. این حجم از آسیب‌ها به اندازه‌ای گوناگون و گسترده است که برخی متخصصان پژوهش‌هایی را به نحو خاص به بررسی برخی از این آسیب‌ها در ورزش حرفه‌ای (همچون پارگی رباط متقاطع) و روش درمانی آنها اختصاص داده‌اند (بدیع‌زاده، ۱۳۸۳).

یکی دیگر از مسائلی که هم مربوط به ماهیت ورزش حرفه‌ای است و هم منشا آسیب جسمی می‌شود استفاده از داروها، نیروزا و مواد مکمل است. هرچند همه ورزشکاران حرفه‌ای از داروهای نیروزا استفاده نمی‌کنند، اما آنچه مسلم است کشتش برخی از ورزشکاران به سمت این امور ریشه در ماهیت متمرکز بر قهرمانی این نوع ورزش دارد.

به جرئت می‌توان گفت: هم‌اکنون ورزش حرفه‌ای برخلاف گذشته به‌عنوان یک صنعت با درآمدهای میلیارد دلاری مطرح است. زمانی که تنها نتیجه و قهرمانی به هر قیمتی مورد توجه باشد ناگزیر ورزشکاران از هرگونه روش و فناوری برای بهبود اجرا و عملکرد ورزشی خود استفاده می‌کنند. از جمله این روش‌ها که دامنه گوناگونی دارد، استفاده از مواد نیروزا و مکمل‌هاست. با توجه به استفاده رو به گسترش ورزشکاران از مکمل‌ها و داروها، صنایع درگیر در ساخت این گونه مواد نیز از رونق قابل توجهی برخوردار شده‌اند، به گونه‌ای که در آمریکا درآمد حاصل از فروش مکمل‌ها در سال، به رقمی بیش از ۱۷ میلیارد دلار می‌رسد.

با توجه به تحقیقاتی که نشان داده استروئیدهای آنابولیک می‌توانند رشد عضلات اسکلتی را در حیوانات آزمایشگاهی تقویت کنند، استفاده از ترکیبات استروئیدی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌طور چشمگیر بین ورزشکاران رواج پیدا کرده است.

نخستین بار در وزنه‌برداری و پرورش اندام و سپس در سایر رشته‌های ورزشی، از این ترکیبات استفاده شد. شرایط در سطوح بالا بدتر است. برای مثال، در تحقیق معروفی از عنوان داران المپیک بیش از ۸۰ درصد ورزشکاران به این

سؤال پاسخ مثبت دادند که حاضرند دارویی را مصرف کنند که موجب شود پنج سال در اوج قهرمانی باشند و بعد از آن بمیرند. اما آنچه موجب شد تا مصرف این نوع ترکیبات با نوعی چالش مواجه شود، به سال ۱۸۸۶ بازمی‌گردد که یک دوچرخه‌سوار به نام لیتون به دنبال مصرف یکی از همین ترکیبات، جان خود را از دست داد و آن زمان بود که محققان و به تبع آن ورزشکاران به اثرات سوء این نوع ترکیبات بیشتر و به صورت عملی پی بردند.

آمار مرگ ناشی از مواد نیروزا به همین جا ختم نشد و سال‌های بعد نیز ورزشکارانی بودند که یکی پس از دیگری به علت ناآگاهی از پیامدهای مصرف این مواد دچار مرگ‌های دلخراش شدند (فلاحی و همت، ۱۳۹۸).

بنابراین استفاده از داروهای نیروزا که عموماً مضر هستند و روش‌های گوناگون احیا و درمان بدن، برای رسیدن به پیروزی و قهرمانی خود نشانه بارز دیگری است که آنچه در ورزش حرفه‌ای مد نظر قرار نمی‌گیرد سلامت جسمانی است. از این رو برای رسیدن به هدف اصلی در ورزش حرفه‌ای (یعنی قهرمانی و کسب درآمد) به راحتی به سلامتی جسم بی‌توجهی می‌شود.

آسیب رساندن به جسم آن هم در سطحی که ممکن است تا پایان عمر ورزشکار با تبعات آن آسیب درگیر باشد یا منجر به مرگ ورزشکار شود، قطعاً کاری غیر اخلاقی است؛ زیرا هرگونه آسیب جدی و قابل اعتنا به جسم در این سطح، آن هم بدون دلیل منطقی اخلاقاً قبیح است. این مسئله یکی از ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای است که با ماهیت آن ارتباط مستقیم دارد. نمی‌توان در عرصه ورزش حرفه‌ای که بر قهرمانی و کسب درآمد بنا شده است، تلاش و فشار غیر معمول جسمانی را متحمل نشد. از سوی دیگر هر چه این‌گونه آسیب‌های جسمانی در این سطح را در پی داشته باشد از این نظر با چالش اخلاقی مواجه است.

البته باید: گفت ورزش قهرمانی نیز در این آسیب با ورزش حرفه‌ای مشترک است.

۲-۳. استدلال مبتنی بر آسیب‌های روحی و عاطفی

اخلاق و مسائل اخلاقی منحصر در افعال نیست؛ صفات و ملکات باطنی یا همان فضایل یا رذایل باطنی که به روح و نفس انسان مربوطند نیز جزو مسائل اخلاقی هستند و ارزش‌گذاری اخلاقی می‌شوند (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۱۴). بنا بر دیدگاه «فضیلت‌گرایی» در اخلاق، معیار ارزش اخلاقی اساساً فضایل و رذایل اخلاقی است. بنابراین فعل اخلاقی فعلی است که منشا فضایل اخلاقی شود و فعلی که منجر به رذایل اخلاقی گردد فعلی قبیح و غیر اخلاقی است (جیمز و ریچلز، ۱۳۹۶، ص ۲۸۳).

بنابراین در این قسمت باید بررسی نمود که آیا ماهیت ورزش حرفه‌ای می‌تواند در بعد روحی و عاطفی منشا آسیب باشد؟ در این صورت قطعاً می‌توان از لحاظ اخلاقی آن را با چالش مواجه دانست.

با توجه به نکات بیان شده می‌توان گفت: یکی از آسیب‌های روحی-عاطفی در ورزش حرفه‌ای برانگیختن روحیه برتری طلبی است. هدف اصلی در ورزش حرفه‌ای کسب درآمد است و چون این مسئله بر متوقف قهرمانی

و غلبه بر رقیب است، پس ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای با مسئله غلبه بر دیگران و پیروزی و قهرمانی آمیخته شده و غلبه و قهرمانی از ارکان آن به شمار می‌آید. پس باید گفت: این آسیب شامل هر دو ورزش حرفه‌ای و قهرمانی می‌شود. البته با این تفاوت که در ورزش حرفه‌ای، قهرمانی هدف میانی است و در ورزش قهرمانی هدف نهایی. در چنین شرایطی آنچه ورزشکار بر آن تمرکز کرده تنها برتری بر رقیب است. این مسئله منشأ رذیله اخلاقی برتری‌طلبی و رذایل دیگر است.

برای بررسی دقیق‌تر باید گفت: میل به قدرت در انسان، فطری است. جهتش نامحدود است و تعین خاصی ندارد، ولی با توسعه معلومات و معارف انسان جهت و تشخیص می‌یابد. به کارگیری ابزار برای تسلط بر طبیعت یکی از جهات قدرت‌طلبی است. جهت دیگری از این میل فطری، برخورداری از قدرت اجتماعی است که بستگی به نظام ارزشی و فرهنگی حاکم بر جامعه دارد. هر جامعه چیزهایی را وسیله قدرت و تسلط بر دیگران و مهار رفتارشان قرار می‌دهد تا از این رهگذر در درجه اول، اراده دیگران را تابع اراده خود کند و حتی بالاتر اینکه بر دل‌های دیگران تسلط یابد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۱).

بنابراین انسان به واسطه میل قدرت‌طلبی که در فطرتش وجود دارد، گرایش پیدا می‌کند بر دیگران غلبه نماید و این‌گونه میل قدرت‌طلبی خود را ظاهر سازد. علامه طباطبائی از این حالت و گرایش انسان به «میل به استخدام» تعبیر کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۵).

قدرت‌طلبی از آن جهت که یک میل فطری است، در حوزه ارزش‌های اخلاقی قرار نمی‌گیرد؛ اما در جایی با اخلاق ارتباط پیدا می‌کند که منشأ انجام نوعی رفتار اختیاری شود. انسان باید این گرایش را جهت‌دهی کند؛ باید به این حقیقت توجه کند که قدرت او، مانند همه چیزهای دیگری که به دست آورده، مال خودش نیست، بلکه مالک اصلی آن و قادر حقیقی خداست و او این قدرت را به عاریه در اختیار انسان قرار داده و به او فرصتی داده است تا از این قدرت برای تکامل حقیقی خود استفاده کند. پس اگر این میل به قدرت در راه رسیدن به کمال حقیقی، یعنی قرب الهی جهت‌دهی شود، از لحاظ اخلاقی خوب است؛ اما اگر این گرایش در مسیری بر خلاف کمال حقیقی و ابدی انسان جهت‌دهی شود قطعاً از لحاظ اخلاقی قبیح است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۱).

اکنون درباره ورزش حرفه‌ای باید گفت: هرچند فطرتاً انسان قدرت‌طلب است، اما اگر این گرایش صرفاً در راه غلبه بر دیگران، آن هم در عرصه رقابت جسمانی باشد و نگاهی استقلالی به این غلبه صورت گیرد و تنها هدف انسان به حساب آید استفاده‌ای برخلاف هدف و کمال حقیقی انسان خواهد بود و از لحاظ اخلاقی قبیح است.

اینکه انسان برای نمایش قدرت و برتری خود بکوشد تبلور روحیه برتری‌طلبی است و ریشه در منیت و نگاه غیرتوحیدی دارد. این مسئله، هم یک آسیب در حوزه روحی است و هم با ماهیت و اساس ورزش حرفه‌ای ارتباط دارد؛ زیرا در این نوع ورزش، ورزشکار بر غلبه تمرکز دارد و یکی از اهداف قطعی میانی او غلبه و برتری است. در

نتیجه باید گفت: هر چه بالقوه چنین آسیبی را در حوزه روحی-عاطفی در پی داشته باشد از لحاظ اخلاقی با اشکال جدی مواجه است.

نکته قابل توجه اینکه برتری طلبی، خود می‌تواند منشأ برخی رذایل دیگر (همچون کبر و تفاخر) نیز گردد. اگر انسان این قدرت را از خود بداند و نگاهی غیر توحیدی و توجه استقلالی به آن داشته باشد، رذایلی همچون کبر و خودبرتربینی و حس تفاخر را به وجود می‌آورد.

۱-۲-۳. بررسی روان‌شناختی روحیه برتری طلبی

این آسیب روحی از دیدگاه روان‌شناختی نیز قابل بررسی است. روحیه برتری طلبی یا به تعبیر دقیق‌تر، شخصیت برتری طلبی و افراط در این زمینه متضاد با سلامت روانی است. یکی از روان‌شناسان برجسته به نام کارن هورنای در کتاب **عصیت و رشد آدمی**، به خشم، به‌مثابه یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی انسان و اینکه فرایند خشمگین شدن مغایر با سلامت روانی است، می‌پردازد. وی تیپ‌های افراد عصبی را به سه دسته «برتری‌طلب»، «مهرطلب» و «نزواطلب» تقسیم می‌کند.

در ادامه، او در تبیین ویژگی شخصیت «برتری‌طلب» خصوصیات مهمی همچون خودبزرگ‌بینی و خودآیدیه‌آل‌بینی، متمایز دانستن خود از دیگران، تلاش برای تسلط بر دیگران، تلاش برای برتری جاه‌طلبانه، تلاش برای کسب برتری و ارضای جاه با هوش و اراده را ذکر می‌کند. به‌طور خلاصه این روحیه یکی از عوامل ایجاد خشم و به تبع آن، عوامل برهم زنده سلامت روان‌شناختی انسان معرفی می‌شود (هورنای، ۱۳۶۱، ص ۱۷۱).

برخی محققان در زمینه تأثیر ورزش در بعضی خصوصیات روانی و شخصیتی گروهی از دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار، پژوهش میدانی به عمل آوردند و یکی از نتایجی که به دست آوردند این بود که دختران ورزشکار نسبت به پسران از روحیه برتری طلبی بیشتری برخوردارند (اکرامی، ۱۳۸۶).

بنابراین باید گفت: هر عاملی که موجب تشدید و افراط در روحیه برتری طلبی انسان شود عاملی برای برهم زدن سلامت روانی و نوعی آسیب روحی به حساب می‌آید. ورزش حرفه‌ای با توجه به ماهیت برتری‌جویانه خود و تمرکز بر این مسئله، تأثیر قابل توجهی بر این روحیه انسان دارد.

پس باید گفت: هرچند قدرت‌طلبی میلی فطری در انسان است، اما اگر نگاه به قدرت، شخصی، استقلالی و غیر توحیدی باشد و به روحیه برتری‌جویی در امور مادی تبدیل شود، نوعی آسیب در حوزه روحی-عاطفی است و هر امری که چنین آسیبی را در پی داشته باشد از این نظر غیر اخلاقی و با چالش اخلاقی مواجه است.

۳-۳. استدلال‌های مبتنی بر آسیب‌های رفتاری-اجتماعی

آسیب‌های اخلاقی که ریشه در ماهیت ورزش حرفه‌ای دارند، منحصر در بعد جسمانی و روحی-عاطفی نیستند، بلکه ترویج و گسترش روزافزون ورزش حرفه‌ای در جامعه جهانی و اهمیت و جایگاه آن، آسیب‌های رفتاری قابل توجه

دیگری نیز در پی دارد. بنا بر استدلال گذشته، اینجا نیز باید گفت: هر چه این‌گونه آسیب‌های رفتاری را در عرصه اجتماعی در پی داشته باشد از لحاظ اخلاقی نیز غیر اخلاقی بوده و با چالش مواجه است. در این قسمت به برخی از این آسیب‌ها در حوزه رفتاری - اجتماعی اشاره می‌شود:

۱-۳-۳. ارزش‌گذاری غلط در اجتماع

همان‌گونه که بیان شد، ورود به عرصه ورزش حرفه‌ای بالقوه بستری برای حرکت در مسیری خلاف کمال حقیقی انسان است. نکته قابل توجه این است که اگر چنین ورزشی با این ماهیت در عرصه اجتماعی برجسته و تبلیغ شود و از حیث اقتصادی، رسانه‌ای و سیاسی از آن حمایت گردد آسیب‌هایی بالقوه در عرصه اجتماع نیز دارد.

قبل از ورود به این بحث، باید قدری درباره حقیقت انسان، کمال انسان و معیار ارزش اخلاقی سخن گفت. انسان موجودی است دارای دو بُعد جسمانی و روحانی. بُعد جسمانی و مادی انسان با حیوانات مشترک است. اما بُعد روحانی یا همان نفس ناطقه ویژگی خاص انسان است و او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند. بنابراین حقیقت انسان همان بعد روحانی و نفس ناطقه انسان است، نه جسم او (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

اما درباره کمال موجودات باید گفت: هر موجودی دارای برخی خصوصیات مشترک با دیگر موجودات است. از سوی دیگر، خصوصیتی دارد که مختص اوست و موجب تمایز او از دیگر موجودات می‌شود. اگر موجودی تلاش کند تا در خصوصیتی که مختص اوست به درجات بالا برسد، به کمال مختص خود رسیده است. انسان نیز در بسیاری از کارها (مانند خوردن و آشامیدن و تولید مثل و به صورت خلاصه در بعد مادی و جسمانی) با دیگر حیوانات مشترک است. اما در خصوصیت داشتن نفس ناطقه (یا همان عقل نظری و عملی) از دیگر موجودات متمایز است. بنابراین تکامل و پیشرفت در خصوصیات مشترک، موجب رسیدن انسان به کمال انسانی نیست، بلکه موجب رسیدن انسان به اعلا درجه حیوانیت یا نباتیت است و آنچه موجب رسیدن به کمال انسانی می‌شود رسیدن به اعلا درجه مختص خود، یعنی کمال عقل نظری و عملی و نفس ناطقه است (قزوینی، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

با مراجعه به ورزش حرفه‌ای رایج در جهان می‌توان دریافت آنچه برای شکوفایی و تکامل آن تلاش می‌شود هرگز بعد روحانی انسان نیست، بلکه منحصراً بعد جسمانی اوست. می‌توان تصور کرد شخصی دارای بسیاری از رذایل اخلاقی (همچون حسد و بخل) باشد و همسر او در اثر اخلاق بد و عصبانیت بیجای او مجبور به طلاق شده باشد، اما همین شخص شناگری ماهر باشد، یا فوتبالیستی بی‌نظیر باشد، یا وزنه‌برداری اسطوره‌ای باشد و در عرصه ورزش حرفه‌ای به‌عنوان یک فرد موفق و یک شخصیت برجسته و الگو معرفی شود. این واقعیت غیر قابل انکار است که امروزه ماهیت ورزش حرفه‌ای صرفاً بر کسب درآمد و قهرمانی و موفقیت در مسابقات ورزشی بنا نهاده شده است و در بنیان ورزش حرفه‌ای چیزی خارج از بعد جسمانی وجود ندارد.

بنابراین امروزه در ورزش حرفه‌ای کمالی که ورزشکار در ورزش حرفه‌ای به دنبال آن است صرفاً تکامل در بعد جسمانی است و نگاهی به بعد حقیقی انسان (یعنی بعد روحانی و کمال نفس ناطقه) ندارد. در نتیجه یکی

از آسیب‌های اخلاقی جدی در ورزش حرفه‌ای فروکاستن مقام انسان به مقام حیوان است؛ زیرا یک دهنده هرقدر سریع باشد سرعتش از یوزپلنگ بیشتر نیست؛ یک شناگر هرقدر ماهر باشد شنای او از دلفین بهتر نیست؛ یک پرش‌کننده هرقدر پرش بلندی داشته باشد از آهو بلندتر نمی‌پرد؛ یک وزنه‌بردار هرقدر قوی باشد همچون فیل توان برداشتن وزنه‌های سنگین را ندارد و... اگر ملاک موفقیت و کمال این امور باشد، پس حیوانات قهرمانان واقعی در این عرصه‌ها هستند.

آسیب‌بزرگی که این ساختار با وجود تبلیغات گسترده و حمایت‌های سرشار اقتصادی و سیاسی، در بُعد رفتاری و در عرصه اجتماعی بر اخلاق جامعه جهانی وارد می‌کند، تعریف مفهوم جدیدی برای «ارزش» و «کمال» برای انسان است. انسان تکامل‌یافته و باارزش و موفق کسی است که قهرمان ورزشی در عرصه بین‌المللی است و دیگر مهم نیست از لحاظ روحی و صفات نفسانی اخلاقی در چه حال و وضعیتی است و ارزش‌های حقیقی انسانی در ارزش‌های پوچ مادی و حیوانی منحصر می‌شود. این یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های رفتاری در سطح جامعه جهانی است و منجر به انحراف مسیر تکامل اخلاقی در جامعه می‌شود و البته منشأ آن ماهیت «ورزش حرفه‌ای»، یعنی ورزشی صرفاً برای پیروزی در بعد مادی و کسب درآمد از آن است. با توجه به این آسیب بزرگ، باید گفت: هر چیزی این‌گونه آسیب‌های رفتاری-اجتماعی را در پی داشته باشد قطعاً از این نظر با چالش اخلاقی مواجه است.

۲-۳-۳. دعوت به ردای اخلاقی با مرجع‌سازی غلط

بررسی ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای در قسمت قبل مبتنی بی‌توجهی به فضایل و کمال انسانی بود، اما در این قسمت باید گفت: امروزه در ورزش حرفه‌ای نه تنها نسبت به فضایل و کمالات حقیقی انسان بی‌توجهی می‌شود، بلکه این رویه می‌تواند غیرمستقیم عاملی برای ترویج ردای و فساد اخلاقی در جامعه باشد. این آسیب با الگوسازی اشخاص، بدون ضوابط و معیارهای اخلاقی و صرفاً با تکیه بر قابلیت‌های ورزشی صورت می‌گیرد.

برای تبیین دقیق این آسیب، باید مسئله گروه‌های مرجع از منظر جامعه‌شناختی بررسی قرار گردد. در جامعه‌شناسی، تاموتسو شیبوتانی (Tamotsu Shibutani) به‌عنوان صاحب‌نظر در این عرصه، به مفهوم «گروه مرجع» پرداخته است. وی سه کاربرد برای این مفهوم بیان کرده است:

(۱) گروهی که به‌عنوان مبنای مقایسه و ارزیابی قرار می‌گیرند.

(۲) گروهی که میل به عضویت و مشارکت در آن دارند.

(۳) گروهی که رویکردهای آن مقبول‌کنشگران قرار می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۱).

صاحب‌نظران دیگری نیز درباره گروه‌های مرجع و کارکردهای آنها و مفاهیم مشابه مباحثی ارائه داده‌اند. اما مهم‌ترین نظریه جامعه‌شناختی در این زمینه، «نظریه گروه مرجع» است که توسط رابرت کی. مرتن در سال ۱۹۴۹ تدوین شد و در کتاب *تئوری و ساخت اجتماعی* به چاپ رسیده است. بنا بر دیدگاه او، «گروه‌های مرجع» متولی انتقال برخی هنجارها (گروه‌های مرجع هنجاری) و تأمین معیارهای لازم برای ارزیابی رفتارها و باورهای افراد هستند

(گروه‌های مرجع تطبیقی). انسان‌ها برای ارزیابی و داوری رفتار و نگرش خود، به گروه‌هایی مراجعه می‌کنند که چه بسا عضو آن هم نیستند. اما به علت کارکردهایی که برای افراد و ساختار اجتماعی دارند، الگوی ذهنی و عملی آنان قرار می‌گیرند. نظریه «گروه مرجع» اذعان دارد که از نظر اجتماعی، افراد تحت تأثیر گروه‌هایی قرار می‌گیرند که به گمان آنها اهمیت زیادی دارند (همان، ص ۱۷).

بنابراین باید گفت: در هر اجتماع گروه‌های مرجع و الگوها می‌توانند ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی را تعیین یا تغییر بدهند.

نکته مهم در تأثیرپذیری انسان‌ها از الگوها آن است که برای دعوت یک شخص به یک کار یا بیان یک ارزش برای او، دو روش را می‌توان در پیش گرفت: هم می‌توان به صورت مستقیم او را به کار یا ارزشی دعوت کرد و هم به صورت غیرمستقیم الگویی با آن ویژگی به او معرفی کرد تا در اثر الگوپذیری به صورت غیرمستقیم به آن کار یا ارزش اخلاقی دعوت شود.

امروزه در سطح بین‌المللی یکی از مهم‌ترین راهکارهای الگوسازی، «ورزش حرفه‌ای» است. قهرمانان و چهره‌های مطرح در ورزش‌های حرفه‌ای در بازه زمانی کمی با چنان شهرت و محبوبیتی مواجه می‌شوند که کمتر بستری چنین قابلیت‌هایی در خود دارد. اما همچنان این سؤال باقی است که ورزش حرفه‌ای چه معیاری برای برجسته کردن و ارائه الگو به جامعه دارد؟

امروزه تنها معیاری که در ورزش حرفه‌ای مد نظر قرار می‌گیرد توانایی‌های جسمانی و مهارت‌های ورزشی است و به‌هیچ‌وجه به ابعاد حقیقی انسان و ارزش‌های اخلاقی توجهی نمی‌شود.

بنابراین یکی از آسیب‌های مهم رفتاری- اجتماعی در ورزش حرفه‌ای ارائه الگو به جامعه بدون در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی و بی‌هیچ‌گزینه‌ای اخلاقی است. در چنین شرایطی امکان مطرح کردن و الگوسازی افرادی با انواع ردایل اخلاقی وجود دارد و این - در واقع - به معنای آن است که به صورت غیر مستقیم جامعه به سمت ردایل اخلاقی و آسیب‌های رفتاری دعوت می‌شود.

اگر واقع‌بینانه به این مسئله نگاه شود با مراجعه به فسادهای اخلاقی بی‌شماری که طی سال‌ها توسط قهرمانان و الگوهای ورزشی در سطح جهانی رخ داده است، می‌توان به این نتیجه رسید که وقتی ماهیت و بنیان ورزش حرفه‌ای تنها بر برتری و قدرت جسمانی و کسب درآمد بنا نهاده شده است، نقش مؤثری در ارائه الگوهای غلط و سوق دادن جوامع به سمت ردایل و ضد ارزش‌های اخلاقی دارد.

برای نمونه، بنا بر نقل خبرگزاری تسنیم از پایگاه خبری *اینساید دگیمز* انگلیس، در کشور کانادا از سال ۱۹۹۸ تا کنون قریب ۲۲۲ مربی در رشته‌های گوناگون ورزشی، قریب ۶۰۰ تن از افراد زیر سن قانونی (۱۸ سال) را قربانی آزار جنسی خود قرار داده‌اند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷). این تنها یک گزارش از صدها گزارشی است که تقریباً در همه کشورها طی سال‌های گذشته مطرح شده است.

بنابراین الگوسازی از قشری که ممکن است مبتلا به انواع ردایل اخلاقی باشد و بدون گزینش در حوزه ارزش‌های اخلاقی مقبول واقع می‌شود یعنی: دعوت غیر مستقیم مردم جامعه به ردایل اخلاقی - که این خود آسیب بزرگ رفتاری در عرصه اجتماعی به شمار می‌رود. از سوی دیگر هر امری که موجب این گونه آسیب‌های مهم رفتاری در عرصه اجتماع باشد قطعاً از این نظر با چالش جدی اخلاقی مواجه است.

۳-۳-۳. کم‌رنگ شدن ورزش‌های همگانی

همان‌گونه که بیان شد، یکی از مهم‌ترین دلایل طرفداران ورزش تأثیر آن در سلامت جسمی و نشاط و سلامتی روحی است.

در اقدامی فراگیر، «سازمان بهداشت جهانی» سه شاخص برای سنجش سلامت و تندرستی بین‌المللی ارائه کرده است: ۱. بیماری‌ها؛ ۲. مرگ و میر؛ ۳. کامیابی. بدین‌روی کشورهای جهان می‌کوشند با اقدام‌های مناسب به هنجارهای مطلوبی در سه شاخص یادشده دست یابند. در این زمینه «ورزش همگانی» به‌مثابه بخشی از اقدام‌های مناسب در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است (گائینی، ۱۳۸۷).

«وزارت بهداشت و درمان» انگلستان در سال ۲۰۰۴ مطالعه جامعی درباره تحقق سند چشم‌انداز ورزش همگانی در آن کشور انجام داد و اعلام کرد: ورزش همگانی نه‌تنها باعث کامیابی می‌شود، بلکه برای ارتقای بهداشت عمومی نیز ضروری است. این وزارتخانه تأکید می‌کند: با گسترش ورزش همگانی، خطر گسترش بیماری‌های مزمن اصلی تا ۵۰ درصد و خطر مرگ و میر زودرس بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش می‌یابد (همان).

«سازمان بهداشت جهانی» نیز در سال ۲۰۰۵ طی بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد: کاهش فعالیت بدنی گسترش چاقی را در پی دارد که پیامد اصلی آن شیوع دیابت است و به‌صراحت اعلام کرد: در دهه آینده دیابت علت ۲۵ درصد مرگ و میرهاست. در این بیانیه آمده است: تعداد مبتلایان به دیابت از ۵۵ میلیون تن در سال ۱۹۵۵ به ۱۵۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ رسیده است که سالانه ۵ میلیون تن از آنها می‌میرند. در همین بیانیه تعداد مبتلایان به دیابت تا سال ۲۰۲۵، تعداد ۳۰۰ میلیون تن ذکر شده که علت اصلی آن چاقی و کم‌تحرکی است (همان).

بنابراین برای حفظ سلامت جامعه ترویج و گسترش ورزش پرورشی با رویکرد تربیت و تندرستی، و ورزش همگانی با رویکرد سلامت و نشاط اجتماعی، امری ضروری است.

از سوی دیگر گفته شد که ورزش حرفه‌ای نه‌تنها در بسیاری از مواقع چنین تأثیری را در پی ندارد، بلکه بسیاری اوقات به عکس، اثرات تخریبی بر سلامت جسم و روح انسان می‌گذارد.

مشکل زمانی به وجود می‌آید که ورزش پرورشی و ورزش همگانی در عین حال که ثمرات زیادی برای سلامتی اجتماع دارند، درآمدزا نیستند و از سوی دیگر دولت‌ها باید در ازای آن هزینه‌هایی را نیز برعهده بگیرند.

ماهیت ورزش حرفه‌ای بر کسب درآمد بنا نهاده شده است. از این‌رو دولت‌ها و شرکت‌ها انگیزه بیشتری دارند تا در این نوع ورزش سرمایه‌گذاری کنند. به همین سبب همواره به ورزش پرورشی و ورزش همگانی - با وجود ثمرات

بسیار مفید خود برای اجتماع- کم‌توجهی شده است و حجم عظیم سرمایه‌ها و بودجه‌ها به سمت ورزش حرفه‌ای سرازیر می‌شود.

برای نمونه، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ در مجلس شورای اسلامی، میزان هزینه‌های باشگاه پرسپولیس معادل ۲۴۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و میزان هزینه‌های باشگاه استقلال ۶۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برآورد شده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰).

اگر میزان هزینه‌های چهارده تیم فوتبال دیگر لیگ برتر در کشور نیز به آن اضافه شود، روشن است که عددی سرسام‌آور به دست می‌آید که نشان از هزینه‌های کلانی است که در عرصه ورزش فوتبال حرفه‌ای کشور توسط دولت و شرکت‌ها پرداخت می‌شود.

اما از سوی دیگر، در کمال تعجب معاون فرهنگی و توسعه ورزش همگانی «وزارت ورزش و جوانان» می‌گوید: بودجه مناسب و مورد نیاز ورزش همگانی در کشور اعتباری معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان است. این در حالی است که به گفته وی، بودجه کنونی ورزش همگانی در سراسر کشور به عددی معادل ۲۰۰ میلیارد تومان می‌رسد؛ یعنی فاصله پنجاه برابری با نقطه مطلوب (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱).

این اختلاف فاحش بیانگر نبود توازن و نبود نگاه مساوی به «ورزش حرفه‌ای» و «ورزش همگانی» است. با توجه به محدود بودن بودجه «وزارت ورزش و جوانان» و سرازیر شدن حجم زیادی از آن به بخشی از فعالیت‌های ورزشی (مانند ورزش حرفه‌ای) طبیعتاً برای بخش‌های دیگر حوزه فعالیت‌های «وزارت ورزش و جوانان» (مانند ورزش همگانی) حجم کمتری از بودجه را می‌توان اختصاص داد. بر این موضوع در بعضی تحقیقات که در ادامه می‌آید نیز تأیید شده است.

برخی پژوهشگران به نحو خاص به بررسی موانع اصلی ورزش همگانی در ایران پرداخته‌اند. هرچند این موانع متعدد هستند، اما یکی از مهم‌ترین موانع گسترش ورزش همگانی در کشور، نبود منابع مالی و بودجه است. در مقابل، یکی از راهکارهای رفع این موانع حمایت دولت‌ها از ورزش همگانی است. در کشورهای گوناگون سالانه میلیون‌ها دلار صرف گسترش ورزش همگانی و ارتقای فعالیت‌های بدنی می‌شود. با این حال برای دستیابی به این هدف مهم، باید تمام بخش‌های بین‌سازمانی و بین‌وزارتخانه‌ای در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی و همچنین بخش خصوصی با یکدیگر همکاری کنند و به‌کارگیری توان مالی بخش خصوصی از جمله راهکارهای توسعه ورزش همگانی است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین با وجود تأثیرات مهم ورزش پرورشی و ورزش همگانی در سلامت جسمی و نشاط روحی در جامعه، یکی از آسیب‌های رفتاری در عرصه اجتماعی که متوجه ورزش حرفه‌ای است، کنار گذاردن ورزش‌هایی همچون ورزش همگانی است که ضامن سلامتی و نشاط اجتماع است. همانند استدلال‌های قبل، باید گفت: هر اقدامی موجب چنین آسیبی در عرصه اجتماعی گردد قطعاً از لحاظ اخلاقی با اشکال مواجه است.

نتیجه‌گیری

«ورزش حرفه‌ای» دارای ماهیت و بنیانی مبتنی بر کسب درآمد از راه برتری و قهرمانی است. «قهرمانی» و «سودآوری» ارکان اصلی ورزش حرفه‌ای هستند. فارغ از مباحث جنبی (مانند رعایت انصاف و اجتناب از زورافزایی) ماهیت و بنیان ورزش حرفه‌ای بالقوه منشأ آسیب‌هایی در حوزه جسمی، روحی- عاطفی و رفتاری است. بررسی اخلاقی ابعاد گوناگون آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای در حوزه جسم با استدلال مبتنی بر آسیب جسمانی؛ در حوزه روحی- عاطفی با استدلال مبتنی بر آسیب‌هایی مانند رویش ردایل اخلاقی در ورزشکار؛ و در حوزه رفتاری با استدلال مبتنی بر آسیب‌هایی همچون ارزش‌گذاری غلط در اجتماع، دعوت غیر مستقیم به ردایل اخلاقی و بی‌توجهی به انواع سودمند ورزش (همچون ورزش همگانی) به این نکته رهنمون می‌شویم که ورزش حرفه‌ای بالقوه بستری برای ابعاد متعدد آسیب‌های غیر اخلاقی است.

البته ماهیت ورزش حرفه‌ای بالقوه اقتضای چنین آسیب‌هایی را دارد، نه بالفعل. بنابراین همیشه بستر و زمینه برای این آسیب‌ها در ورزش حرفه‌ای وجود دارد، هرچند ورزشکار و مسئولان ورزشی می‌توانند با در نظر گرفتن تمهیداتی از بالفعل شدن این آسیب‌های بالقوه جلوگیری کنند.

در پایان، باید گفت: این تحقیق تنها درصد بررسی اخلاقی ابعاد آسیب‌زا در ورزش حرفه‌ای بود، نه حکم و قضاوت کلی درباره آن. بنابراین برای رسیدن به حکم نهایی درباره ورزش حرفه‌ای باید ابعاد مفید ورزش حرفه‌ای نیز بررسی و در مرحله پایانی بین ابعاد مثبت و منفی مقایسه و قضاوت شود. اما در مجموع، دولت‌ها و نهادهایی که متولی یا حامی ورزش حرفه‌ای هستند باید این چالش‌های اخلاقی را حل کنند و از بالفعل شدن و تحقق یافتن آسیب‌های بیان شده جلوگیری کنند.

- اکبرپورینی، محسن و دیگران، ۱۳۹۳، *تربیت بدنی و سلامت جسمانی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- اکرامی، محمود و سرور دزفولی، ۱۳۸۶، «مقایسه نیمرخ روانی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار دختر و پسر در مقطع متوسطه»، *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ش ۲، ص ۱۹-۳۰.
- بدیع‌زاده، کامران، ۱۳۸۳، «آیا ورزشکاران بعد از ترمیم جراحی رباط متقاطع قدامی قادر به ادامه ورزش حرفه‌ای می‌باشند؟»، *جراحی استخوان و مفاصل ایران*، ش ۷، ص ۶۱-۶۴.
- جیمز، ریچلز، ۱۳۹۶، *عناصر فلسفه اخلاق*، ترجمه محمود فتحعلی علیرضا آل بوبه، چ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی‌هرندی، سیدمحسن، ۱۳۹۲، *اخلاق ورزشی در رسانه*، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- خلجی، حسن، ۱۳۹۴، *اصول و مبانی تربیت بدنی*، چ هشتم، تهران، پیام نور.
- رزاقی، محمدابراهیم و قاسم مهربابی، ۱۳۹۶، *اخلاق در ورزش (مفاهیم، چالش‌ها، راه‌حل‌ها)*، تهران، ندای کارآفرین.
- سعیدی، کیکاووس، ۱۳۸۷، «سپیم شدن در اقتصاد کشور با توسعه ورزش حرفه‌ای»، *کارآفرینان امیرکبیر*، ش ۴۲، ص ۲۷-۲۸.
- شهبازی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۲، «ورزش همگانی (ضرورت، موانع، راهکارها)»، *مجلس و راهبرد*، ش ۷۶، ص ۶۹-۹۷.
- ضیائی، وحید و همکاران، ۱۳۸۵، «مقایسه تست‌های عملکرد ریوی قبل و بعد از ورزش بسکتبال در بسکتبالیست‌های حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای»، *علوم پایه پزشکی ایران*، ش ۳، ص ۱۷۲-۱۷۷.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فلاحی، علی‌اصغر و ابراهیم همت، ۱۳۹۸، «پیامدهای اخلاقی تجارت داروها و مواد نپروزا در ورزش حرفه‌ای»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۴۹، ص ۷-۱۴.
- قزوینی، محمدحسین بن محمد، ۱۳۸۰، *کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهداء*، قم، کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملااحمد نراقی.
- کوستاس، مونتاکیس، ۱۳۸۲، «تفاوت تربیت بدنی و ورزش حرفه‌ای»، ترجمه محمدرضا حامدی و مجتبی احمدی، *رشد آموزش تربیت بدنی*، ش ۱۰، ص ۱۲-۱۹.
- گائینی، عباسعلی، ۱۳۸۷، «چشم‌انداز ورزش همگانی»، *رشد آموزش تربیت بدنی*، ش ۲۸، ص ۱۱-۱۳.
- محمدرضا قهساره، محدثه، ۱۳۹۲، «جایگاه ارزش‌های اخلاقی در ورزش حرفه‌ای»، در: *چهارمین کنگره پیشگامان پیشرفت*.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ملانوروزی، کیوان، ۱۴۰۰، «شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای اخلاق در ورزش حرفه‌ای کشتی»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک*، ش ۶، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- نراقی، احمد، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، قم، هجرت.
- نمازی‌زاده، مهدی و بهمن سلحشور، ۱۳۹۲، *تربیت بدنی عمومی*، تهران، سازمان سمت.
- هادوی کاشمر، اکرم و همکاران، ۱۳۹۵، «مقایسه وضعیت سلامت روانی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار»، در: *اولین همایش ملی تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی*، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
- هاشمی، سیدضیاء و رحمت‌الله صدیق سروسستانی، ۱۳۸۱، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فسینگر»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۱۴۹-۱۶۷.
- هورنای، کارن، ۱۳۶۱، *عصیبت و رشد آدمی*، ترجمه محمدجعفر صفا، چ سوم، تهران، بهجت.
- هبلز، دایان، ۱۳۸۱، *ورزش، تغذیه، تناسب‌اندام*، ترجمه محمدرضا شگرف نخعی و مرتضی کاشی‌زاده، زیر نظر رضا رادگودری، تهران، ریحان.

<https://www.isna.ir/news/98032109093>.

<https://www.isna.ir/news/1400092116208>

<https://www.isna.ir/news/1401011406269>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/11/23/1945389>

<https://www.elmehvarzesh.com/12-facts-in-professional-sports>